



The Narrative Of The Collapse Of A City The Urban Changes Of The Present Era In Kerman

Hojat Golchin¹, Mohsen Keshavarz²

1. Assistant Professor Department of Restoration of Historical Buildings. Faculty of Art and Architecture. Shahid Bahonar University of Kerman, (Corresponding author).
2. Assistant Professor Department of Restoration of Historical Buildings. Faculty of Art and Architecture. Shahid Bahonar University of Kerman.

Received: 2023/11/21

Accepted: 2024/04/22

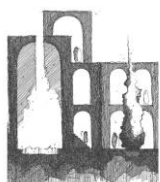
Research Paper

Abstract

The assaults caused by the wrong model of development and lack of proper management are more or less evident in many cities of Iran. However, perhaps no city can be found that has been affected by these factors as much as Kerman. The onslaught of encroachments caused by the most vulgar form of development has changed the nature of this city, which was once considered as one of the historical cities of Iran, which is practically irreparable. Meanwhile, this bitter reality is not only not seriously reflected, but the gradual reduction of the city to a collection or a few special works, has left a large part of the public opinion and even the cultural elites still in the illusion of a historical city. This article seeks to explain and present the process of urban changes in Kerman in the last century in a comprehensive and documented way, from the inevitable changes caused by the requirements of the modern era, to the continuous and increasing deterioration of the last decades. This path has been investigated based on the historical sequence of photographic documents and aerial photos, in four periods of time, the documentation and developments of each period, with a comparative comparison of the aforementioned documents. In the end, the result of this study is revealed in the form of a documented process of the complete collapse of a city in a way that it can be pointed out as a bitter and at the same time dangerous experience to the practitioners and policy makers in the field of urban management.

Keywords: Kerman, urban landscape Road exposure, Old aerial photos, A vulgar model of development.

* Corresponding author's Email: golchin_hojat@yahoo.com



روایت فروپاشی یک شهر بررسی تحولات شهری عصر حاضر در کرمان

حجت گلچین^۱، محسن کشاورز^۲

۱. استادیار گروه مرمت بناهای تاریخی دانشکده هنر و معماری. دانشگاه شهید باهنر کرمان (نویسنده مسئول).

۲. استادیار گروه مرمت بناهای تاریخی دانشکده هنر و معماری. دانشگاه شهید باهنر کرمان.

مقاله پژوهشی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۸/۳۰

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۲/۰۳

چکیده

تعارضات ناشی از الگوی نادرست توسعه و عدم مدیریت صحیح در بسیاری از شهرهای ایران به وضوح دیده می‌شود. با این حال، شهر کرمان به‌طور ویژه‌ای از این وضعیت متأثر شده و شاید کمتر شهری در ایران وجود داشته باشد که تا این حد تحت تأثیر عوامل مذکور قرار گرفته باشد. کرمان که روزگاری در کنار یزد به‌عنوان یکی از شهرهای تاریخی و فرهنگی ایران شناخته می‌شد، امروز در نتیجه همه‌های ناشی از توسعه‌ای که تنها نام آن را یدک می‌کشد، دچار تحولات بنیادین و غیرقابل جبرانی شده است. این دگرگونی‌ها چنان عمیق و وسیع بوده‌اند که ماهیت تاریخی و فرهنگی شهر را به‌طور کامل دگرگون کرده‌اند. این در حالی است که این واقعیت تلخ نه‌تنها به شکل جدی منعکس نشده است بلکه تقلیل یافتن تدریجی شهر به یک مجموعه یا چند اثر خاص، بخش بزرگی از افکار عمومی و حتی نخبگان فرهنگی را همچنان در توهمی از یک شهر تاریخی فرورده است. این مقاله در تلاش است تا با رویکردی جامع و مستند، روند تغییرات شهری کرمان را طی سده‌ی گذشته بررسی کند. از تحولات اجتناب‌ناپذیر ناشی از مقتضیات دوران مدرن تا زوال مداوم و روزافزون در دهه‌های اخیر برمبنای توالی تاریخی، تمامی این تحولات به شکل دقیق و با استفاده از اسناد تصویری و عکس‌های هوایی در چهار مقطع زمانی مختلف مستندسازی شده‌اند. در هر مقطع، با مقایسه تطبیقی این اسناد، تغییرات و تحولات شهری کرمان بررسی و تحلیل شده است. در نهایت، حاصل این مطالعه، در قالب روندی مستند از فروپاشی کامل یک شهر، آشکار می‌شود؛ به‌نحوی که بتوان آن را به‌عنوان تجربه‌ای تلخ و درعین‌حال خطیر به متصدیان و سیاست‌گذاران حوزه مدیریت شهری متذکر شد.

کلمات کلیدی: کرمان، منظر شهری، تعریض معابر، عکس‌های هوایی قدیم، الگوی نادرست توسعه.

* نویسنده مسئول: golchin_hojat@yahoo.com





مقدمه

غالب شهرهای ایران در طول سده گذشته دستخوش روندی از تغییرات و دگرگونی‌ها بوده‌اند که اگرچه سرآغاز آن، به شکلی اجتناب‌ناپذیر، متأثر از تحولات دوران مدرن است؛ لیکن اغلب در مسیری تداوم‌یافته که وجهی غیرمعمول و افراطی از تغییرات را با نام توسعه بر ساختار و منظر شهرها تحمیل کرده است. در همین راستا، ماهیت شهر، در کرمان امروز به‌گونه‌ای از هجده تعارضات و ناهنجاری‌ها مخدوش شده است که به‌ندرت می‌توان نمونه‌ای را مشابه آن یافت. این در حالی است که تا همین چند دهه قبل، شهر کرمان هم‌تراز با یزد و به‌عنوان نمونه‌ای ناب از شهر ایرانی قلمداد می‌شد و قریب دو دهه در ساختار اداری و فنی، مهم‌ترین و تخصصی‌ترین نهاد متولی میراث فرهنگی وقت، به‌عنوان مرکز ثقل حوزه‌ای پهناور از کشور، از جایگاهی ممتاز برخوردار بود^۱. این جایگاه، متأثر از پتانسیل و البته موقعیت جغرافیایی کرمان، دستاوردها و تجارب ارزشمندی را، به‌ویژه تا اواسط دهه پنجاه خورشیدی، در حوزه حفاظت میراث شهری به همراه داشت که تا حد زیادی در مواجهه با تحولات دهه‌های چهل و پنجاه خورشیدی که ساختار اغلب شهرها از جمله کرمان را متأثر می‌ساخت، مؤثر بود. تجاربی که بعضاً در ابعادی گسترده‌تر، نمود و بازتابی ملی می‌یافت و کرمان را به‌عنوان الگویی موفق در حوزه مدیریت میراث معماری و شهری، اعتبار می‌بخشید. نمونه چنین توفیقی را در گردهمایی بزرگ صاحب‌نظران و متصدیان این حوزه از سراسر کشور که در آبان ماه سال ۱۳۵۶ به میزبانی کرمان برگزار شد، به‌وضوح می‌توان دید (آگاهی‌نامه سازمان ملی حفاظت آثار باستانی ایران، ۱۳۵۶). این روند، اما به‌تدریج نه‌تنها کم‌رنگ و بی‌جان شد که در طول کمتر از یک دهه، مسیری کاملاً معکوس را، در پیگیری الگویی نادرست از توسعه تا به‌مرور پیموده است. مسیری که با سرعتی باورنکردنی و به‌صورت مستمر، در طول چندین دهه آن‌چنان خساراتی بر پیکر شهر وارد ساخت که عملاً به فروپاشی آن انجامیده است. این پژوهش در پی آن است تا با تکیه بر شواهد مستند برآمده از عکس‌های هوایی مقاطع زمانی معین و متوالی و نقشه‌های شهری و تقریر آن‌ها در قبال سایر اسناد و البته مطالعات میدانی مستمر نگارندگان، روند دگرگونی و ازهم‌گسیختگی شهر کرمان را در طول سده گذشته تبیین و ارائه کند. باید توجه داشت که تقطیع مقاطع زمانی یادشده، بر اساس تحولات عمده، مشهود و ثبت‌شده در اسناد موجود و به‌طور اخص، عکس‌های هوایی انجام‌گرفته است. برهمین‌اساس، نخستین عکس هوایی موجود از کرمان که مورخ ۱۳۳۵ خورشیدی و مبین تغییرات عمده سه دهه نخست صدسال اخیر از پایان دوره قاجار تا زمان پدید آمدن عکس‌های هوایی هدفمند است، در تعیین اولین مقطع از روند مزبور، اهمیتی بنیادین می‌یابد. در ادامه، همچنان که اشاره شد، مابقی مقاطع زمانی، عطف به عکس‌های هوایی متأخرتر تا تصاویر ماهواره‌ای کنونی، مشخص‌شده و با مطالعه تحولات هر مقطع، در فرایندی از یک قیاس تطبیقی تاریخی، روایتی مستند از زوال و نابودی شهر کرمان ارائه می‌شود.

پیشینه پژوهش

در مورد توسعه و گسترش فیزیکی شهرها مطالعات زیادی صورت گرفته است. قبل از تهیه نخستین طرح‌های جامع شهری، برنامه‌هایی^۲ هم برای توسعه فیزیکی - کالبدی شهرها توسط حکومت‌ها تهیه‌شده بود. نخستین طرح جامعی

۱. با تأسیس سازمان ملی حفاظت آثار باستانی در سال ۱۳۴۵، واحدهای اجرایی آن به نام "دفتر فنی" در حوزه‌های مختلف کشور پدید آمد که از آن‌میان، دفتر فنی کرمان، بخش جنوب شرق کشور و در مقطعی، حوزه یزد را هم پوشش می‌داد (آگاهی‌نامه سازمان ملی حفاظت آثار باستانی ایران، ۱۳۵۶؛ صمدی‌زندی، ۱۳۷۷).

۲. قبل از تهیه طرح‌های شهری به شکل متداول کنونی، طرح پیشنهادی شهر همدان، به‌عنوان اولین طرح شهری، توسط کارل فریش، مهندس چرم‌ساز تهیه و به وزارت داخله پیشنهاد شد و در آبان ماه سال ۱۳۱۰ به تصویب وزارت داخله رسید. همچنین در سال ۱۳۲۴، بخش شهرسازی و طرح‌ریزی در سازمانی موسوم به

که در ایران تهیه و تصویب شد، طرح جامع بندرلنگه در سال ۱۳۴۵ بوده است؛ پس از آن، طرح‌های جامع شهرهای بندرعباس، تهران، تبریز، قزوین و رشت در سال ۱۳۴۶ به تصویب رسیده است. از مطالعاتی که در مورد شهر کرمان و بررسی روند توسعه شهر انجام شده، می‌توان به پژوهش‌های زیر اشاره کرد:

نخستین بار تهیه طرح جامع کرمان در مهرماه ۱۳۵۲ خورشیدی توسط مهندسین مشاور «داض» انجام شد. مطابق با این مطالعات، هسته‌ی اصلی شهر که در واقع بافت کهن آن بود، از مجموعه‌ی خانه‌ها، محلات، بازار و سایر تجهیزات و تأسیسات شهری تشکیل می‌شد. حصار قدیمی شهر در سال ۱۳۰۷ از بین رفته بود و بافت جدید کرمان گسترش خود را با یک شبکه‌بندی نسبتاً شطرنجی و منظم، از سر گرفت (مهندسین مشاور داض، ۱۳۵۲). از آن زمان تاکنون، طرح جامع چندین بار مورد بازنگری قرار گرفت. در سال ۱۳۶۵ جهاد دانشگاهی با همکاری دانشکده هنرهای زیبا برای وزارت کشور طرحی مطالعاتی را انجام دادند که می‌توانست در همان دهه، به‌عنوان مطالعات بستر آغازی باشد برای برنامه‌ریزی و طراحی توسعه شهر که متأسفانه این اتفاق، مورد اقبال مدیران شهری قرار نگرفت.

بار دیگر در سال ۱۳۷۴ مطالعه دیگری بر بافت شهری کرمان تحت عنوان «مطالعات طرح محور تاریخی - فرهنگی کرمان» صورت پذیرفت که در حد مستند نگاری و ثبت آنچه به‌عنوان ارزش‌های کالبدی - فیزیکی شهر و میراث تاریخی - فرهنگی باقی ماند. خلاصه‌ای از این طرح، بعدها در کنگره معماری شهرسازی ارگ بم منتشر شد (محمد مرادی، ۱۳۷۴). باید اضافه نمود، گروه دانشگاهی دانشکده معماری و شهرسازی دانشگاه شهید بهشتی نیز در سال ۱۳۷۸ با محوریت بازار کرمان، به مطالعه و مستندسازی مجدد پرداختند. همین اتفاق در سال ۱۳۸۳ با عنوان طرح راهبردی حفظ بافت تاریخی کرمان، احیاء مرکز تاریخی و تحت نظارت سازمان بهسازی و نوسازی شهر کرمان پی گرفته شد. در ادامه این روند و از جمله متأخرترین مطالب منتشر شده در این باب، مطالعاتی است که تحولات ساختاری کرمان را با تمرکز بر معابر و شبکه دسترسی قدیم و جدید، از سال ۱۹۰۲ (۱۲۸۱ شمسی) تا ۲۰۱۴ (۱۳۹۲ شمسی) در روندی از توسعه که آن را «رشد سریع شهری» نامیده است، مورد بررسی و ارزیابی قرار داده است. پژوهشگران در تحلیل روند و نحوه توسعه فیزیکی - کالبدی شهر کرمان بیان می‌دارند که شهر کرمان ابتدا در طول راه‌های ارتباطی، توسعه پیدا کرده است و در سال‌های اخیر، دارای رشد قطاعی بوده است و این توسعه بیشتر به سمت غرب و جنوب غرب بوده است (زنگی‌آبادی، ۱۳۹۴). آن‌چنان‌که از مطالب فوق مشهود است، در اغلب مطالعات، اعم از مطالعات طرح‌های جامع و تفصیلی و سایر طرح‌های راهبردی، شهر، با روایتی از «آنچه بوده است» و «آنچه باید بشود» مدنظر قرار گرفته و در حوزه تحولات شهری هم موضوعات، ذیل عناوین «توسعه» و «رشد» دیده و ارزیابی شده‌اند؛ به‌عبارت‌دیگر، به‌ندرت می‌توان پژوهشی را یافت که با نگاهی نقادانه و آسیب شناسانه، آن‌گونه که در این نوشتار به شکلی مستند و بی‌پرده آمده است، روندی مستمر از زوال و نابودی را در این شهر و در مسیری که همواره به نام «توسعه»، خوانده شده است، روایت کند.

مقطع نخست (۱۳۰۵ تا ۱۳۳۵) تحولات متأثر از گذار به دوران مدرن

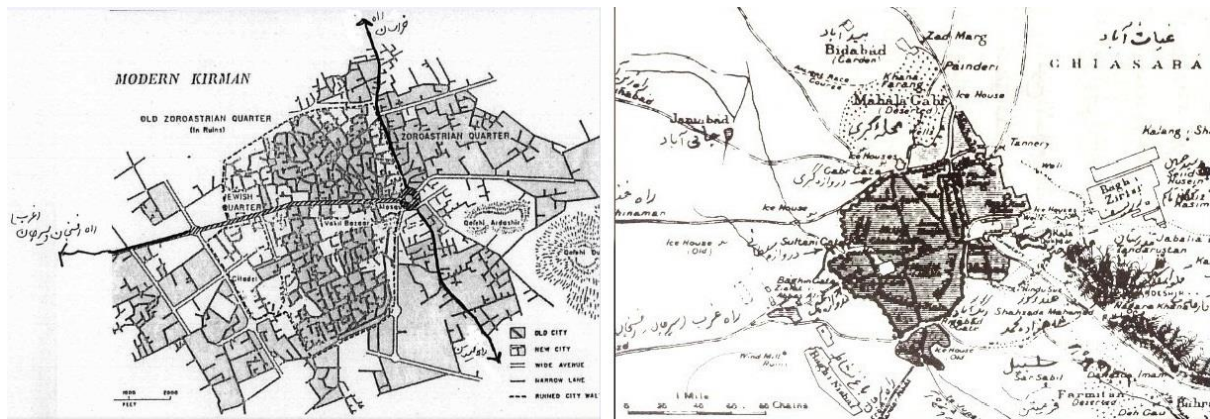
ظهور انقلاب صنعتی و پیامدهای ناشی از آن، تحولی عظیم را، با سرعتی باورنکردنی پدید آورد که به‌تدریج در ابعادی جهانی، سرآغاز فصلی نو در تاریخ را رقم زد. جریانی که متفاوت و بعضاً در تعارض بود با آنچه بشر از پی آخرین تحول عظیم قبل از آن، یعنی «انقلاب شهرنشینی» به دست آورده و طی ده‌ها قرن با آن خو گرفته بود. بدیهی است

«سازمان اصل چهار ترومن» در ایران تشکیل شد و مسئولیت آن بر عهده چند مهندس شهرساز، از جمله دکتر تورسن و مهندس گیسیس نهاده شد. این عده نیز برای اولین بار مطالعات و طرح‌ریزی سه شهر شیراز، اصفهان و سندج را به زبان انگلیسی تهیه کردند (سعیدنیا، ۱۳۷۸).



که در این رویارویی، دستاورد جدید، یعنی «صنعتی شدن» در تقابل با مهم‌ترین میراث و دستاورد قبل از خود، یعنی شهرنشینی، بیشترین تأثیر و دگرگونی را تا به امروز بر ساختار «شهر» و مفهوم آن گذاشته است. ردپای چنین تقابلی را در ایران، از اواخر دوره قاجار و به‌طور مشخص بعد از مشروطه، هم‌پای دیگر مقتضیات دوران مدرن، می‌توان دنبال کرد. باوجود این، ظهور جدی‌تر این جریان را باید هم‌زمان با به قدرت رسیدن سردار سپه و آغاز دوره‌ی پهلوی دانست که روندی آمرانه از تجدد را بر سبک زندگی جامعه شهری ایران، گسیل داشت. شهر کرمان نیز در همین راستا و از آنجاکه به‌عنوان مرکز پهناورترین ایالت، در تقسیمات سیاسی جدید کشور، یعنی مرکز استان هشتم که تمام حوزه جنوب شرق را پوشش می‌داد، تعریف‌شده بود، ناگزیر از تحولات اجتناب‌ناپذیری شد که مشابه بسیاری از مراکز شهری مهم، هم‌زمان با سلطنت رضاشاه پدید آمد. این تغییرات که عمدتاً ناشی از ارتباطات و سیستم حمل‌ونقل جدید و صدا البته رشد سریع جمعیت بود، معمولاً تخریب برج و باروی پیرامون شهرها را در پی داشت و در ادامه، شکل جدیدی از میدان (فلکه) را اغلب در تلاقی دو یا چند خیابان جدید، بر متن شهر تحمیل می‌کرد (مشهدی‌زاده دهاقانی، ناصر، ۱۳۹۰).

کرمان در این مقطع زمانی، به نسبت بسیاری دیگر از شهرها، متحمل دگرگونی کمتری شد؛ چراکه صرف‌نظر از تخریب برج و باروها و احداث خیابان‌های پیرامونی به‌جای آن‌ها که در تمام شهرها کم‌وبیش متداول بود، موقعیت میدان جدیدالاحداث در کرمان (میدان مشتاق) در حاشیه شهر و در محدوده‌ی قبرستان قدیمی، کمترین میزان خسارت و تخریب را در قیاس با ساخت نمونه‌های مشابه در متن بافت شهری، در پی داشت؛ از سوی دیگر، از سه مسیر منشعب از آن، دو مسیر، کم‌وبیش بر روی همان راه‌های ارتباطی قدیم (راه خراسان و راه سیستان) بود و تنها یک مسیر با حرکت به سمت غرب، اولین خیابان^۱ را در دل شهر قدیم ایجاد کرد که بعد از گذار از متن شهر به امتداد یکی دیگر از راه‌های قدیم یعنی راه غرب (سیرجان و رفسنجان) می‌پیوندد (شکل ۱).



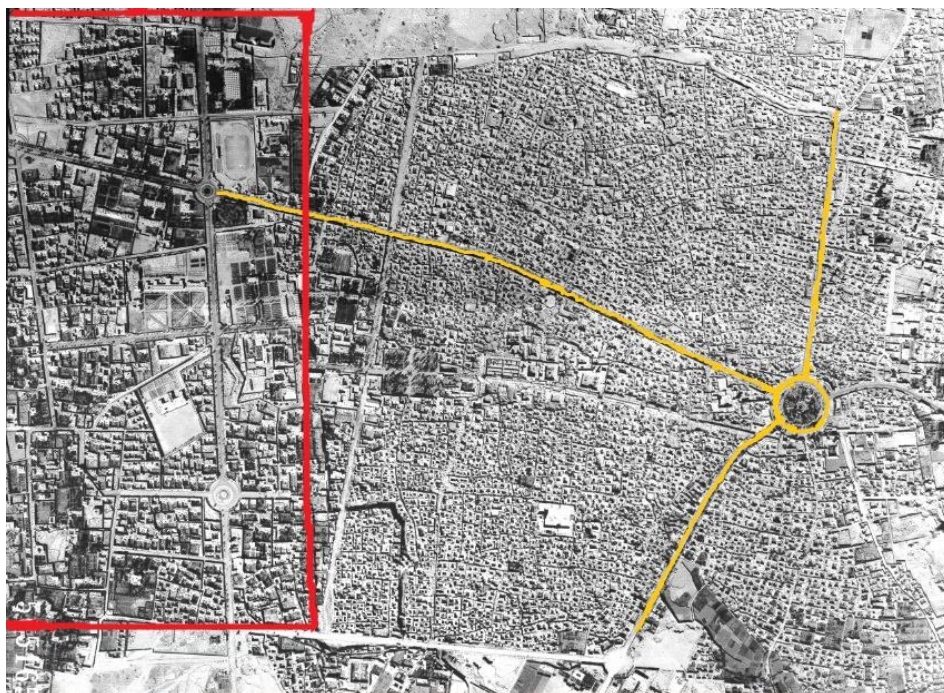
شکل ۱: راست، عرصه کرمان در دوره قاجار. ترسیم از «سایکس» (ابوحامد کرمانی، ۱۳۸۶). چپ. عرصه شهر قاجاری کرمان بر روی نقشه سال ۱۳۳۹ شمسی (انگلیش، ۱۳۹۴) و موقعیت میدان مشتاق نسبت به راه‌ها و عرصه شهر قدیم (ترسیم از نگارندگان)

بامطالعه نقشه‌های به‌جامانده از اواخر دوره قاجار، از جمله نقشه «پرسی سایکس» سرکنسول انگلیس در کرمان و مدنظر قرار دادن مقیاس مندرج بر روی آن، پهنه‌ای قریب به سیصد هکتار را می‌توان تخمین زد که بخش اعظم آن درون حصار شهر واقع شده است (شکل ۱). از طرفی نخستین تصاویر هوایی هدفمند به‌منظور تهیه‌ی

۱. منظور، اولین خیابانی است که در قلب شهر ایجاد شد و در نقشه‌های قدیم بنام خیابان "شاهپور" ذکر شده است و اکنون خیابان شریعتی نام دارد.

نقشه‌های شهری که از اوایل دهه سی خورشیدی و توسط سازمان نقشه‌برداری کشور عکس‌برداری شده، اطلاعات ذی‌قیمتی را در مورد وضعیت و ساختار محدوده قدیم شهرهای ایران ارائه می‌دهند؛ از آن جمله، عکس هوایی سال ۱۳۳۵ کرمان است که با توجه به تراکم بافت شهری مسکونی مشهود در آن، به‌وضوح می‌توان شهر قاجاری کرمان و محدوده داخل حصار آن را تشخیص داد. این سند مهم، در خوانش با نقشه سایکس، ضمن آنکه کاملاً مؤید آن است، روندی مستند از توسعه شهر را در اوایل سده گذشته روایت می‌کند؛ در واقع، همچنان که اشاره شد، غیر از تخریب حصار قدیم که عمدتاً با خیابان‌های پیرامونی جایگزین شده و تنها خیابانی است که منشعب از میدان مشتاق و در متن بافت شهری به سمت غرب کشیده شده است و شهر را به دونیم تقسیم کرده، ساختار کلی شهر قاجاری موجود در سه دهه قبل از تاریخ عکس (حوالی ۱۳۰۰ شمسی) را کاملاً به‌صورت دست‌نخورده می‌توان دید (شکل ۲ و ۳).

اطلاعات دیگری که از عکس هوایی مذکور، دریافت می‌شود، میزان و نحوه گسترش شهر در دوره پهلوی و عمدتاً پهلوی اول، یعنی تا سال ۱۳۲۰ شمسی است که به‌طور منطقی باید بیرون حصار شهر قدیم و در حوزه‌های پیرامونی آن باشد. باید توجه داشت که در نقشه سایکس هم حوزه‌هایی از سکونت را اغلب به شکل خانه باغ‌های اشراف، از جمله باغ معروف «زرسیف»، مقر کنسولگری انگلیس^۱ و نیز مواردی از سکونت اقلیت زرتشتی را خارج از حصار می‌توان دید؛ لیکن عمده این حوزه‌ها در مشرق شهر است؛ حال آنکه توسعه دوره پهلوی، عمدتاً در ادامه حرکت خیابان یادشده و به سمت غرب پدید می‌آید. خیابانی که بعد از گذر از متن بافت قدیم شهر، با نام خیابان تهران ادامه یافته، محور اصلی گسترش شهر می‌شود و آن‌طور که از نقشه اصلاحات شهری سال ۱۳۱۵ و نقشه سال ۱۳۳۰ (شکل ۲ و ۳) برمیآید، در تقاطع با دو خیابان جدیدالاحداث موازی، به تدریج شکلی جدید از شهر را در جوار شهر قدیم پدید می‌آورد.



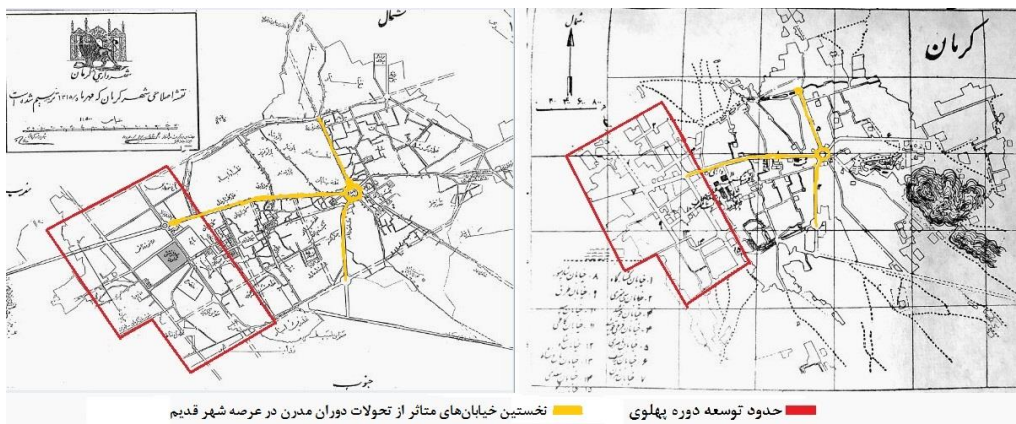
شکل ۲: نمایش توسعه کرمان در دوران مدرن، در غرب شهر قدیم (محدوده قرمز رنگ) و تحولات متأثر از آن (رنگ زرد)، بر روی عکس هوایی^۲ ۱۳۳۵. با شکل بعد مقایسه شود. (قیاس و تقریر از نگارندگان)

^۱ ادوارد براون در کتاب معرف خود، "یک سال در میان ایرانیان" ضمن اشاره به اقامت خود در محل کنسولگری انگلیس، مقر آن در باغ زرسیف و موقعیت خارج از حصار آن را تصریح کرده است (براون، ۱۳۹۴).

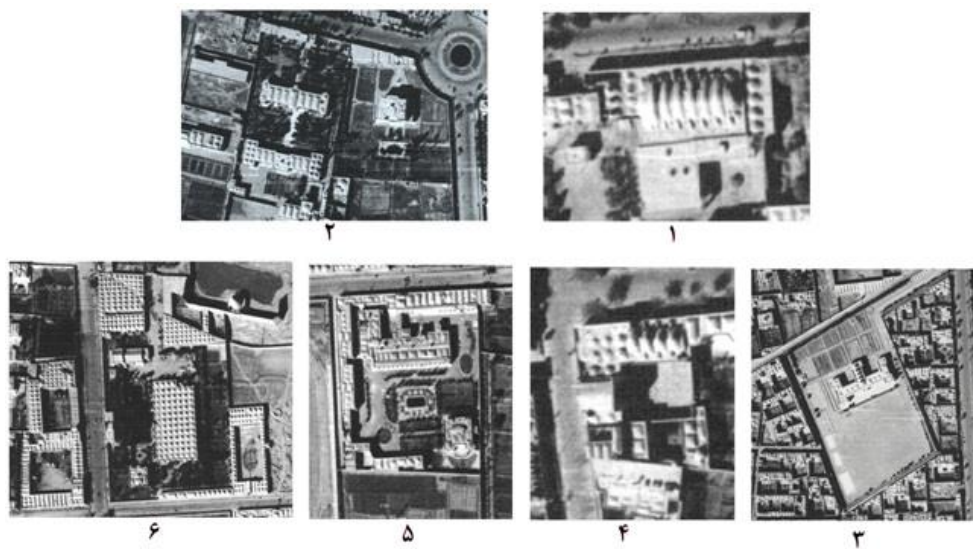
^۲ مأخذ همه عکس‌های هوایی در این مقاله، سازمان نقشه‌برداری کشور است.



باید اذعان کرد که این بخش اخیر، اگرچه به لحاظ سیستم دسترسی و ارتباطی و تراکم‌های ساختمانی، ریختی متفاوت از شهر قدیم را اقتضا کرده است؛ لیکن از نظر شیوه‌های ساختمانی و فرم و مصالح معماری، به جز معدود مواردی از ساختمان‌های دولتی، کماکان در تداوم همان سنت معماری گذشته است؛ کما اینکه بسیاری از آثار واجد ارزش میراث معماری و ثبت‌شده، از جمله دبیرستان جم^۱، پرورشگاه صنعتی، کارخانه خورشید (کتابخانه ملی)، بیمارستان ارجمند، گاراژ کرمانی نژاد، تالار صفر-پنج و مسجد طباطبایی مربوط به همین حوزه و مقطع زمانی هستند (شکل ۴). این روند از توسعه را کم‌وبیش تا اوایل دهه چهل خورشیدی به‌عنوان مقطعی مهم از تحولات شهر در گذار به دوران مدرن و اقتضانات آن می‌توان دنبال کرد که در نقشه‌های شهری دهه بیست و سی و به‌صورت جامع و مستند در عکس هوایی سال ۱۳۳۵، مشهود است.



شکل ۳: توسعه کرمان در دوره پهلوی و تغییرات متأثر از آن. راست: سال ۱۳۳۰ (مرکز اسناد شهرداری). چپ: کرمان در سال ۱۳۱۵ (مرکز اسناد شهرداری). با شکل قبل مقایسه شود، (قیاس و تقریر از نگارندگان)



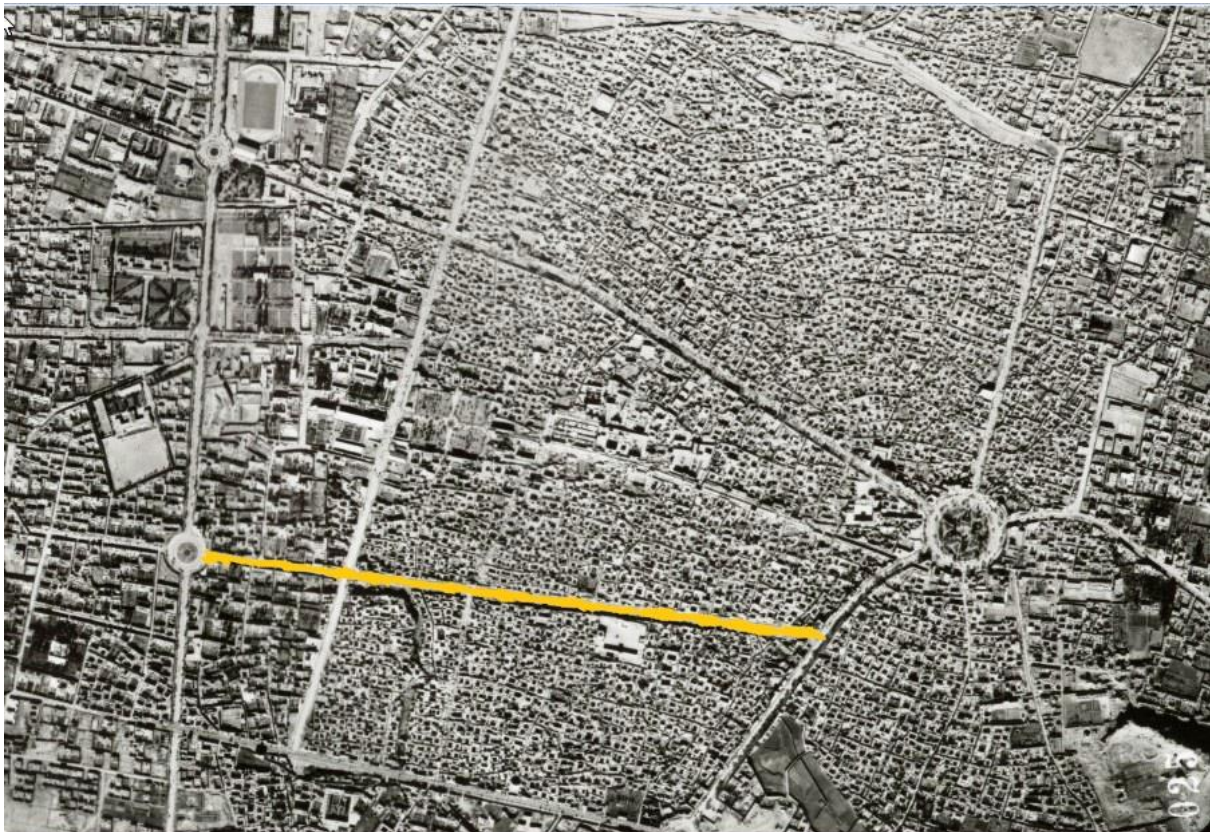
شکل ۴: مصادیقی از میراث معماری معاصر دوره پهلوی، مأخذ از عکس هوایی ۱۳۳۵. ۱. تالار صفر پنج (موزه اسلحه) ۲. پرورشگاه صنعتی (موزه هنرهای معاصر) ۳. دبیرستان جم ۴. مسجد طباطبائی ۵. بیمارستان ارجمند ۶. کارخانه ریسندگی خورشید (کتابخانه ملی)، (بیان و تقریر از نگارندگان)

^۱ در دوره پهلوی دوم به دبیرستان پهلوی و بعد از انقلاب به دبیرستان امام خمینی تغییر نام یافت.

مقطع دوم (۱۳۳۵-۱۳۶۰) تعدد خیابان‌ها

دهه چهل و پنجاه خورشیدی، مصادف است با افزایش چشمگیر جمعیت شهرنشین در ایران. از یک‌سو با وقوع انقلاب سفید و اصلاحات ارضی در اوایل دهه چهل، روند مهاجرت به شهرها شدت گرفت و از سوی دیگر سرازیر شدن درآمدهای سرشار نفتی در دهه پنجاه، موج دوم مدرنیسم را در پاسخ به نیازهای نوظهور بخش مهمی از جامعه که در قالب طبقه متوسط شهری، ظهور پیدا کرده بود، ایجاب می‌کرد. طی این فرایند اجتماعی، اتومبیل، از یک کالای لوکس که منحصر به طبقه‌ای خاص از جامعه بود، به تدریج به تقاضایی معمول در بین قشر متوسط جامعه بدل گشت. بدیهی است که چنین روندی، شکلی جدید از معابر و حمل‌ونقل را طلب می‌کرد که در مقیاسی بسیار وسیع‌تر و سریع‌تر از تحولات مقطع قبلی شکل گرفت. این پدیده البته در اغلب شهرهای ایران تأثیرات مشابهی داشت. در کرمان هم احداث چهار خیابان عریض در متن بافت قدیم شهر را، در پی داشت.

نخست، در اوایل دهه چهل، آن‌چنان‌که در عکس هوایی سال ۱۳۴۴ مشهود است، خیابانی^۱ به موازات خیابان ایجادشده در مقطع قبلی (خیابان شریعتی) امتدادی شرقی غربی کشیده شد؛ با این تفاوت که خیابان قبلی در شمال حوزه بازار بزرگ (بازار شرقی غربی یا همان بازار وکیل کرمان) و خیابان اخیر، در جنوب آن و درست در جوار مسجد ملک احداث شد (شکل ۵). این دو خیابان، اگرچه به موازات بازار بزرگ ایجادشده و با آن تلاقی نداشتند؛ لیکن دونقطه از گذر اصلی دیگری از شهر قدیم را قطع کردند.



شکل ۵: احداث خیابان «ششم بهمن» (امام) در روند تحولات عرصه شهر قدیم کرمان در دهه ۴۰ خورشیدی، به روایت عکس هوایی سال ۱۳۴۳، (بیان و تقریر از نگارندگان)

^۱. خیابان امام امروزی (ششم بهمن سابق)



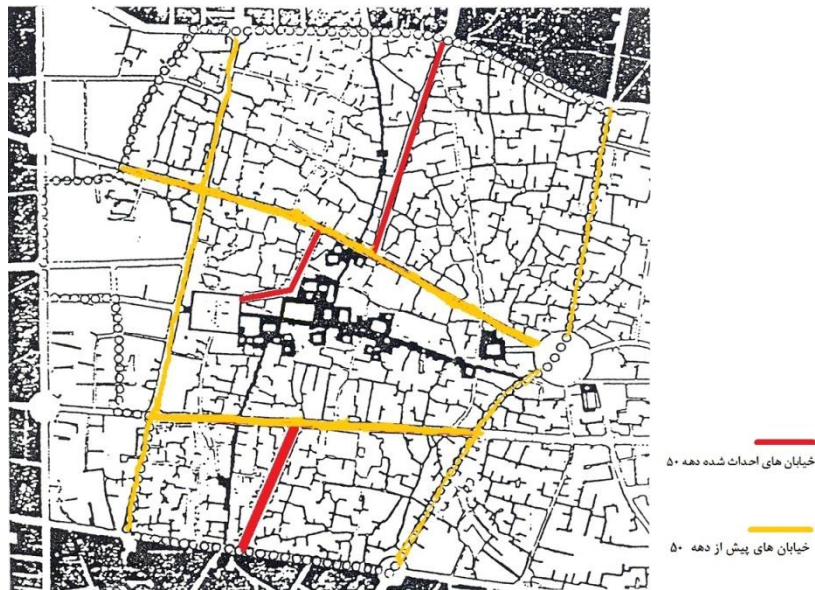
گذر اصلی شمالی جنوبی کرمان که متشکل از چند بازار متوالی و به صورت «گذر-بازار» بود و مسیری البته ناخوانا تر و پرپیچ‌وخم تر، نسبت به بازار بزرگ داشت و از شمال تا جنوب شهر، بسیاری از محلات و حوزه‌های شهر را مانند نخ تسبیح مرتبط می‌ساخت (گلچین، ۱۳۷۹). این دو محور، مجموعاً در تلاقی باهم، شاکله و استخوان‌بندی اصلی سیستم ارتباطی شهر قدیم کرمان را می‌ساختند و در محل تلاقی‌شان، میدان گنجعلیخان، نبض حیات اجتماعی و اقتصادی شهر بود.

در ادامه‌ی همین روند، در دهه پنجاه خورشیدی سه خیابان دیگر احداث شد که دو خیابان، راستایی شمالی-جنوبی و بافاصله‌ی اندکی در جوار گذر شمالی-جنوبی مذکور احداث شده و خیابان سوم، با ملاحظاتی، ضمن چرخش در مسیر خود، از جوار میدان گنجعلیخان عبور می‌کند (شکل ۶). در نهایت، احداث خیابان‌های مزبور در این مقطع، چهره‌ای کاملاً متفاوت از شهر را پدید آورد و به‌طور ویژه، ساختار و شاکله اصلی دسترسی بافت قدیم شهر را، متأثر ساخت.



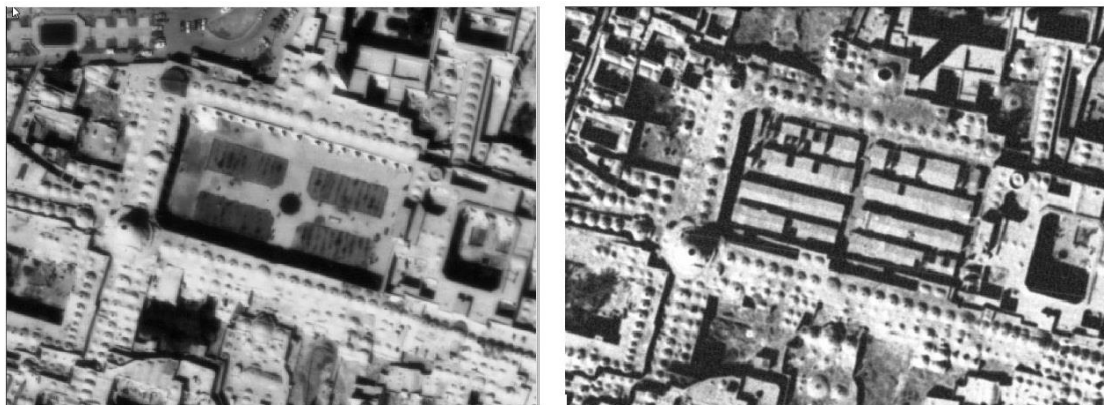
شکل ۶: خیابان‌های جدیدالاحداث در دهه ۵۰ خورشیدی به روایت عکس هوایی سال ۱۳۵۵. (با شکل بعد مقایسه شود). همچنان که در شکل مشهود است، هنوز به‌طور نسبی ساختار و حیات اجتماعی محلات شهر قدیم، در بین خیابان‌های مزبور به چشم می‌خورد، (قیاس و تقریر از نگارندگان)

احداث دو خیابان عریض در جوار دو بخش مهم از بازار شمالی جنوبی بافاصله‌ای کم از آن، تغییراتی را ایجاد کرد که متأثر از آن، رونق بازار، به بدنه تجاری خیابان‌ها مکیده شده و رمق این بخش از بازار گرفته شد (شکل ۷). این در حالی است که هنوز در بخش‌های محصور در بین خیابان‌های ذکرشده، کم‌وبیش ساختار اجتماعی و کالبدی شهر و محلات قدیم پابرجاست (شکل ۶).

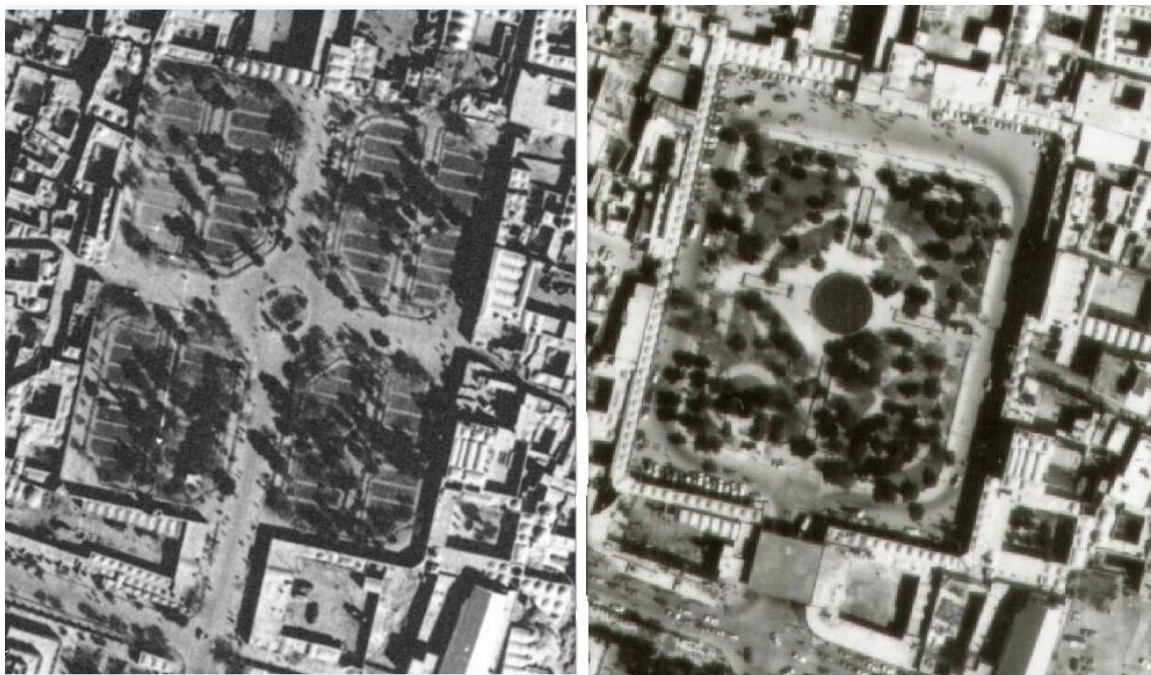
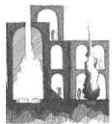


شکل ۷: تقابل شبکه خیابان‌های جدید (تا پایان دهه ۵۰) با استخوان‌بندی ارتباطی شهر قدیم، (نگارندگان)

از سوی دیگر، به‌رغم همه‌ی این تحولات که بعضاً همچنان که ذکر شد، به شکلی اجتناب‌ناپذیر در اغلب شهرها پدید آمده بود، به‌تدریج رویکردی جدید نسبت به شهرها و بافت‌های تاریخی پدید آمد. این رویکرد با اندکی تأخیر نسبت به تحولات مشابه در اروپا که بعد از جنگ‌های جهانی به شکلی جدی‌تر سازمان‌یافته بود، در میانه دهه چهل خورشیدی با تأسیس «سازمان ملی حفاظت آثار باستانی ایران» به اوج رسید. در همین راستا، کرمان با توجه به دارا بودن ارزش‌های قابل‌توجه میراث معماری و شهری و موقعیت جغرافیایی‌اش به‌عنوان یکی از مراکز ثقل اداری و فنی سازمان مذکور در پهنه وسیعی از کشور برگزیده شد. پهنه‌ای که تمام جنوب شرق کشور و حتی در مقاطعی، حوزه یزد را نیز پوشش می‌داد. این مرکزیت، فرصتی را فراهم آورد تا تجارب موفقی از حفاظت میراث شهری و مجموعه‌های تاریخی در تقابل با تحولات یادشده در کرمان شکل بگیرد که از آن جمله می‌توان به ساماندهی و باز زنده‌سازی میدان و مجموعه گنجعلیخان و مداخلات میانه‌افزا در میدان ارگ در هم‌خوانی و کارکرد جدیدش با بازار و مقتضیات معاصر، در مقیاس فضاهای کلان‌شهری، اشاره کرد (شکل ۸ و ۹).



شکل ۸: تجربه ارزشمند باز زنده‌سازی میدان گنجعلیخان در دهه ۵۰ (چپ)، نسبت به وضعیت آن در دهه ۳۰ (راست)، (قیاس و تقریر از نگارندگان)



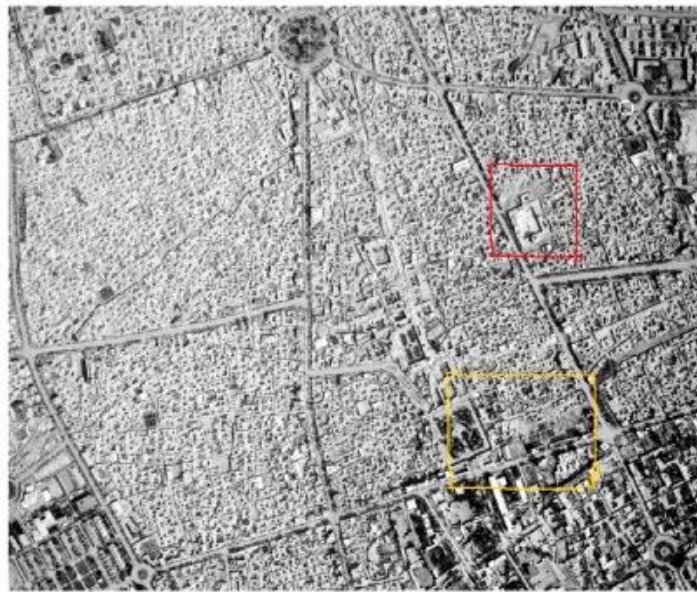
شکل ۹: تجربه طراحی جداره‌های میدان ارگ، به صورت میانه افزا در دهه ۵۰ (راست)، نسبت به وضعیت آن در دهه ۳۰ (چپ)، (قیاس و تقریر از نگارندگان)

مقطع سوم (۱۳۶۰-۱۳۸۱) تعریض و تعرض

نیمه نخست این مقطع از تحولات را زیر سایه‌ی جنگ تحمیلی و پیامدهای ناشی از آن باید ارزیابی کرد. با شروع جنگ به فاصله کمی بعد از انقلاب اسلامی، به شکل اجتناب‌ناپذیری، تمامی اولویت‌ها معطوف به امور جنگ و دفاع از کشور گردید؛ از همین رو، مجال کمتری برای مقولاتی، مانند حفاظت بافت‌های تاریخی بود، این چالش البته در مورد کرمان، با وقوع دو زلزله‌ی مهیب به فاصله‌ی کمتر از دو ماه در تابستان ۱۳۶۰ به شکلی مضاعف روی داد. زلزله ترس زیادی به دل مردم انداخت و اما تکان‌های زمین که تمام شد، در دورانی که تأثیرات هجوم مدرنیسم هم کم‌وبیش باقی است، قشری به‌اصطلاح تحصیل کرده، با واپس‌گرا خواندن معماری، خانه‌ها و محلات به‌اصطلاح خشت و گلی، به وحشت مردم دامن زده و به ساکنان محدوده‌ی قدیم شهر در مورد ترک این حوزه‌های اصیل و ارزشمند، آدرس غلط می‌دهند. این آدرس غلط به همراه سوء مدیریت مسئولین وقت، در کنار عامل مهم عدم آگاهی لازم در بین اقشار جامعه، به‌تدریج، واژه بافت فرسوده را در ادبیات عمرانی و برنامه‌ریزی شهری کرمان، جایگزین بافت تاریخی کرد؛ به عبارت بهتر، چماق بافت فرسوده، برای بسیاری از متنفذین، وسیله‌ای شد تا آن را بر سر بخش‌های قدیمی شهر فرود آورند تا آنجا که بسیاری از ساکنین شهر قدیم کرمان خاطرات و محله‌های خود را رها کرده و مهاجرت به بخش غربی شهر را پی می‌گیرند.

در عین حال، باید توجه داشت که در این مقطع زمانی، کرمان از جمله شهرهایی بود که از آتش مستقیم جنگ به دور بود؛ حال آنکه بسیاری از شهرهای ایران و ارزش‌های تاریخی و فرهنگی‌شان مستقیماً آماج بمباران و حملات هوایی دشمن قرار می‌گرفت؛ کما اینکه میراث سترگی چون مسجد جامع اصفهان هم از این هجمه مصون نماند (گالدیری، ۱۳۷۰)؛ بنابراین، نباید در مورد تأثیر زلزله عراق کرد؛ چراکه شهرها و حوزه‌های دیگر هم چالش‌های خود را داشتند و آنچه به‌عنوان مثال، در مورد کرمان در قیاس با یزد که شرایط مشابهی در دوران جنگ داشت، اهمیت می‌یابد، بیشتر معطوف به مدیریت و برآیند فرهنگی و عزم و اراده جامعه است؛ از همین روست که از این مقطع به بعد، شهر کرمان نسبت به یزد در حوزه حفظ میراث شهری عقب افتاد و فرصت بسیاری را از دست داد.

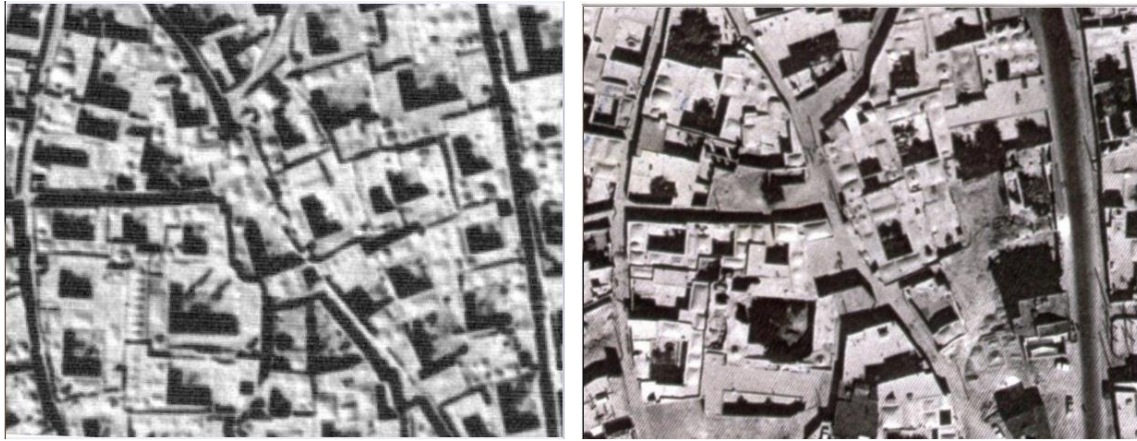
تداوم ساختار مدیریتی و بدنه فنی و کارشناسی سازمان ملی حفاظت آثار باستانی در سال‌های اول بعد از انقلاب، غنیمتی ذی‌قیمت بود که اگرچه در شرایط جدید و متأثر از جنگ، رمق گذشته را نداشت؛ لیکن سخت‌کوشی، صداقت و تعهد اکثریت کارکنان و متخصصین، باوجود همه تنگناها، امیدبخش و البته اثربخش بود. در این‌بین، نقش زنده‌یادان «دکتر باقر آیت‌الله زاده شیرازی» به‌عنوان سرپرست سازمان و «مهندس غلام عباس فتح نظریان» به‌عنوان رئیس دفتر فنی کرمان را نباید از یاد برد. نقشی خطیر که همچنان تا سال ۱۳۶۴ و زمان تشکیل سازمان میراث فرهنگی کشور در همان ساختار سازمانی سابق و در سخت‌ترین شرایط کشور، مستدام بود «صمدی رندی، ۱۳۷۷». بعد از پایان جنگ تا اوایل دهه هفتاد، وضعیت کم‌وبیش، به همین منوال بود. صرف‌نظر از مدیریت، بدنه‌ی اصلی سازمان تازه تأسیس میراث فرهنگی تا حدودی، از همان کارشناسان سازمان ملی حفاظت آثار باستانی تشکیل شد؛ لیکن اولویت‌ها و سیاست‌گذاری‌های کلان کشور، مسیر متفاوتی را متأثر از شرایط اقتصادی، اجتماعی و سیاسی طی می‌کرد. از سوی دیگر، تعریض بی‌رویه‌ی معابر قدیمی، غفلت از ارزش‌های ساختاری و منظری محلات قدیم، متروکه شدن تدریجی عرصه بافت قدیم شهر و مهم‌تر از همه، شکل‌گیری الگوی غلط از توسعه در سیاست‌گذاری‌های کلان‌شهر، سرآغازی بود بر زوال محتوای بخش تاریخی شهر. زوالی که نشانه‌هایش را در همین مقطع نیز به‌وضوح می‌توان دید (شکل ۱۰).



شکل ۱۰: عکس هوایی کرمان در سال ۱۳۶۳. نمونه‌هایی از آغاز روند تخریب و متروکه شدن بافت قدیم شهر، (نشان و تقریر از نگارندگان)



در طول دهه هفتاد، سیاست‌های کلان یادشده و تلقی نادرست مدیران و متصدیان از مفهوم توسعه شهر، رواج الگویی ناهنجار از توسعه را در پی داشت. بیشترین نمود آن را در تعریض و عقب‌نشینی معابر اصیل می‌توان دید که به‌طور جدی ساختار محلات قدیم را مخدوش ساخت (شکل ۱۱).



شکل ۱۱: مرکز محله بازار شتر در سال ۱۳۳۵ (چپ) و ۱۳۷۳ (راست) به روایت عکس‌های هوایی. نمونه‌ای از تداوم روند تعریض معابر و پیامدهای آن، (بیان و تقریر از نگارندگان)

این تعریض علاوه بر معابر قدیم درون محلات، عقب‌نشینی اکثر خیابان‌های قدیم شهر که اغلب دارای جداره‌های باارزشی به‌عنوان میراث شهری معاصر بودند را نیز در پی داشت. رویه تلخی که همچنان تا به امروز نیز ادامه دارد و نه تنها جداره‌های ارزشمند شهری، بلکه درختان کهن‌سال زیادی که در طرفین خیابان‌های یادشده، منظر و شریان‌های شهر بودند را نیز، از بین برد (شکل ۱۲).



شکل ۱۲: مصداقی از زوال درختان و چشم‌اندازهای ارزشمند شهر معاصر. سمت راست، عکس هوایی ۱۳۷۳ و سمت چپ شکل ماهواره‌ای ۱۳۸۱، (بیان تقریر از نگارندگان)

البته، موضوع به اینجا نیز ختم نمی‌شد؛ چراکه فروش تراکم‌های غیرمنطقی از سوی شهرداری‌ها، تجاری‌سازی‌ها و طرح‌های هجّو معماری، جدای از مخدوش کردن سیمای شهر (شکل ۱۳)، عصاره حیات اجتماعی محلات محصور در بین این خیابان‌های دگرگون‌شده را به تدریج می‌مکید و منجر به متروکه و مخروبه شدن هرچه بیشتر محلات رنجور، می‌شد. محلات بی‌جان شده‌ای که حالا می‌بایست، جور ترافیک مضاعف ناشی از تراکم‌سازی‌ها و تجاری‌سازی‌های مذکور را نیز به‌عنوان پارکینگ بر دوش بکشند که نتیجه‌ای جز تخریب و تعریض هرچه بیشتر نداشت.

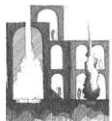


شکل ۱۳: تجاری‌سازی و تراکم‌های غیرمعمول پیامد تعریض خیابان‌ها (تعریض و تعرض)، (بیان و تقریر از نگارندگان)

درواقع، ترافیکی که بهانه عقب‌نشینی‌ها و حذف درختان و جداره‌ها بود، نه تنها حل و تسریع نشد که به شکلی مضاعف بر کالبد شهر تحمیل شد؛ به عبارتی بهتر و دقیق‌تر، رویه‌ی مزبور را می‌توان به تعریض و تعرض تعبیر کرد. تعریض در کالبد و تعرضی که به دنبال آن، به مفهوم و حیثیت شهر وارد شد (گلچین، ۱۳۹۸). از سوی دیگر، درست در همین مقطع زمانی، نحیف‌شدن تدریجی بدنه کارشناسی سازمان میراث فرهنگی، به دلیل انتقال آن از وزارت فرهنگ و آموزش عالی به وزارت ارشاد^۱ و عدم جایگزینی کافی کارشناسان متخصص سابق، به تقلیل محسوس جایگاه و تأثیرگذاری این نهاد انجامید. این مسئله نیز در کرمان به دلیل دوری از مرکز و امکان پایش کمتر و البته ناآگاهی جامعه، وجهی پررنگ‌تر داشت؛ به‌عنوان نمونه، در مقطعی حساس که اغلب شهرها لاقلاً در چهارچوب مسئولیت‌های سازمانی میراث فرهنگی، ثبت و تعیین حریم آثار و محورهای باارزش شهری را در اولویت داشتند، در کرمان هرگز چنین اولویتی را نمی‌توان دید^۲؛ در نتیجه، حریم و عرصه‌ی بسیاری از آثار عجین شده در متن شهر که عرض‌اندام چندانی نسبت به بناهای یادمانی تاریخی نداشتند؛ از جمله مساجد ناب محله‌ای، ساباط‌ها، تکایا، دربندها و معابر و مرکز محلات به شکلی جبران‌ناپذیر مخدوش و دگرگون شد (شکل ۱۴ و ۱۵).

۱. سازمان میراث فرهنگی، از بدو تأسیس تا سال ۱۳۷۲ از نظر سازمانی زیرمجموعه وزارت فرهنگ و آموزش عالی بود و از آن‌پس به وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی منتقل شد (صمدی‌رندی، ۱۳۷۷).

۲. پژوهشی که اخیراً در مورد تکایای کرمان منتشرشده، نشان می‌دهد از بین بیش از ۴۰ تکیه واجد ارزش، تنها ۷ باب از آن‌ها پرونده ثبتی دارند (گلچین و شهریاری، ۱۴۰۰).

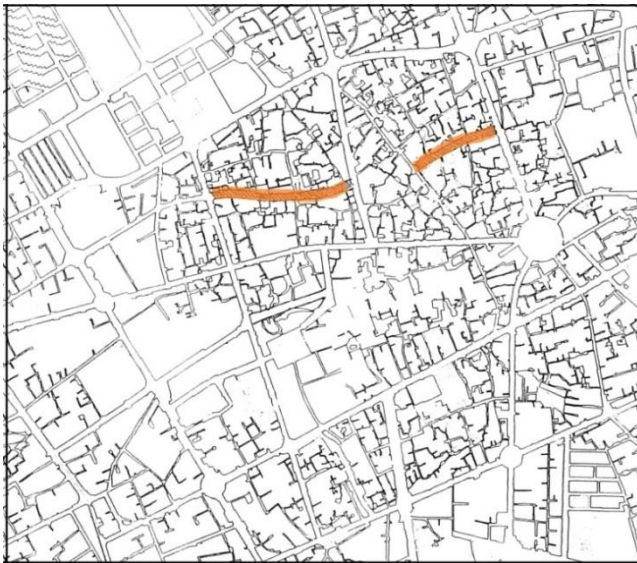


شکل ۱۴: محله "نه باغ ليله" در سال ۱۳۷۶. تداوم زوال محلات و ساختار شهر قدیم در دهه ۷۰، (گلچین، ۱۳۷۰)



شکل ۱۵: عکس هوایی کرمان در ۱۳۷۷. تداوم تعریض معابر و پیامدهای ناشی از آن به ساختار و محتوای شهر، (سازمان نقشه برداری کشور)

هم‌زمان با تمام این حوادث، دو خیابان دیگر نیز حداثت‌های سال‌های ۷۵ تا ۸۱ بر کالبد نحیف و رنجور بافت قدیم شهر، تحمیل شدند. این در حالی است که از پایان دهه هفتاد، کمتر چنین روند و غفلتی را می‌توان در حوزه بافت‌های قدیم شهری دید و رویکردی جدید در حوزه بافت‌های تاریخی در حال شکل‌گیری است که در پی التیام تجارب تلخ دهه‌های گذشته تا حد امکان اعاده و بازآفرینی محورها و جداره‌های مخدوش شده شهری را، مدنظر دارد. دگرگونی‌ها و تعرضات پدید آمده در این مقطع حیاتی در کرمان را، در قیاس عکس‌های هوایی دهه شصت، هفتاد و نهایتاً نخستین عکس ماهواره‌ای به سال ۱۳۸۱، به‌خوبی می‌توان دید؛ وضعیتی آشفته که در ابتدای دهه هشتاد، عملاً بافت تاریخی و مفهوم واقعی آن را از بین برده است (شکل ۱۶ و ۱۷).



شکل ۱۶: احداث دو خیابان جدید بین سال‌های ۱۳۷۵ تا ۱۳۸۱ و تحمیل آن‌ها بر پیکر رنجور شهر (عکس ماهواره‌ای ۱۳۸۱)، (قیاس و تقریر از نگارندگان)



شکل ۱۷: نابودی عرصه و حریم بافت قدیم شهر و از همی‌گسیختن تدریجی ساختار آن، (سازمان نقشه‌برداری کشور،



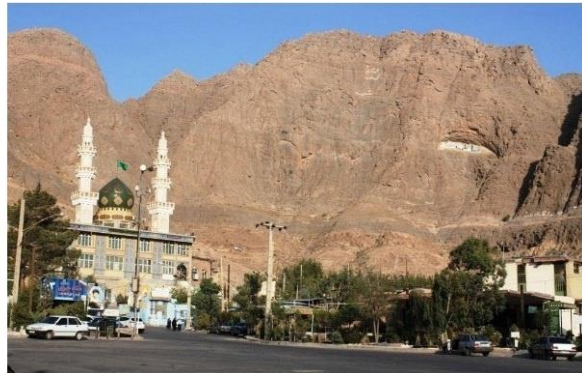
مقطع چهارم (۱۳۸۱-۱۳۹۷) فروپاشی کامل

بی‌شک در هیچ مقطعی در تحولات عصر حاضر کرمان، این حجم از ناهنجاری و زوال بر کالبد شهر، آوار نشده است. زوالی ناشی از مبتذل‌ترین شکل ممکن از الگوی توسعه که با سرعتی باورنکردنی محتوای باقیمانده از شهر را زیرورو کرد و در واقع، تیر خلاصی بود بر پیکر بی‌رمق شهر که هویت و حیثیت تاریخی آن را به کلی منهدم ساخت. بعد از دگرگونی‌های پدید آمده تا ابتدای دهه هشتاد که عملاً بافت تاریخی شهر را بی‌معنی ساخت، هنوز حوزه‌هایی، مانند جزیره، در محدوده شهر قدیم و بعضاً در بخش معاصر شهر باقی‌مانده بود که کماکان واجد ارزش‌هایی از میراث شهری بود و مفاهیمی از پیوستگی را در ساختار خود نگه‌داشته بود. هنوز امیدهایی بود که با ساماندهی و دیده‌شده این حوزه‌ها و تعریف و خوانا سازی آن‌ها نسبت به یکدیگر، به‌عنوان آخرین رمق‌های حیات شهر و آخرین داشته‌ها از محتوای اصیل آن، بتوان رمقی تازه در کالبد شهر پدید آورد؛ لیکن این آخرین فرصت‌ها هم زیر سایه همان بی‌خبری و غفلت از دست رفت و قربانی همان الگوی ناهنجار شد؛ از جمله این حوزه‌های باقیمانده که طی آخرین طرح‌های توسعه‌ای ناهنجار و ناصواب در میانه دهه نود، از بین رفت، بخش باقیمانده «محله گلبازخان» بود که با احداث خیابانی بر روی آن، به‌طور کامل نابود شد (شکل ۱۸).



شکل ۱۸: تداوم خیابان‌کشی‌های بی‌هدف و تعریض معابر در عرصه‌ای از شهر قدیم که روزگاری محله «گلبازخان» خوانده می‌شد، عطف به تصاویر ماهواره‌ای ۱۳۸۲ و ۱۳۹۸. زوال و تخریب آخرین رمق‌های شهر، (قیاس و تقریر از نگارندگان)

این روند ناهنجار نه‌تنها عرصه شهر و محلات قدیم که تمام حوزه‌ها و وجوه میراث معماری و شهری معاصر، از جمله خاطرات جمعی، محورها و مسیرهای شخیص، مدارس قدیمی، مساجد اصیل، مکان‌های خاطره‌انگیز، پاتوق‌های مردمی، یادمان‌ها، حوزه‌های طراحی‌شده منسجم، فضای سبزه‌ها، ورزشگاه‌ها و حتی چشم‌اندازهای طبیعی هزاران ساله و اساساً هرآن چه که مفهومی از «شهر» را در خود داشت، از حیث ارتفاع ساقط کرد. نهادهای متولی و مرتبط با مدیریت شهر و میراث شهری کرمان که زمانی پیشگام و الگو و مرکز ثقل حوزه جنوب شرق کشور بودند، در این مقطع زمانی، باگذشت کمتر از چهار دهه، کاملاً منفعل و بی‌اثر شدند؛ درنهایت، کرمان امروز به ورطه‌ای افتاده که حتی عرصه کوه و منظر هزاران ساله‌اش نیز مصون نمانده است (شکل ۱۹). روندی از یک فروپاشی کامل که آخرین اسناد شهری و تصاویر هوایی، به‌وضوح گواه آن است (شکل ۲۰ تا ۲۶).



شکل ۱۹: دست‌اندازی و تخریب منظر هزاران ساله شهر، (نگارندگان)



شکل ۲۰: محدوده "گود خشت‌مال‌ها". نمونه‌ای دیگر از نابودی کامل عرصه و حریم بافت شهر در قیاس عکس‌های هوایی ۱۳۳۵ و ۱۳۹۸، (سازمان نقشه‌برداری کشور، ۱۳۳۵ و ۱۳۹۸)

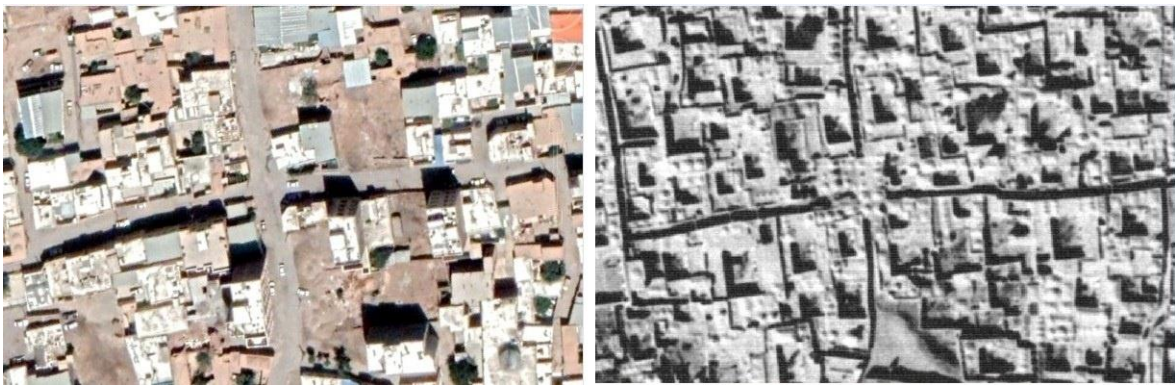


«محدوده‌ی طراحی شده‌ی حوزه‌ی پیرامونی خانه‌ی شهر و میدان شورا بر روی عکس‌های هوایی دهه‌ی پنجاه و تصاویر ماهواره‌ای فعلی. روایتی از چندین دهه‌ی دست‌اندازی، تخریب و دخل و تصرف در مقایسه، خاطرات و تعاریف شهر کرمان. سمت چپ پالای محدوده، الگوی حیاط مرکزی ساختمان استناداری و جنب آن (از بالا تا پایین محدوده)، مجموعه‌ی کاخ جوانان (کانون اندیشه‌ی فعلی) مستقر هستند.»

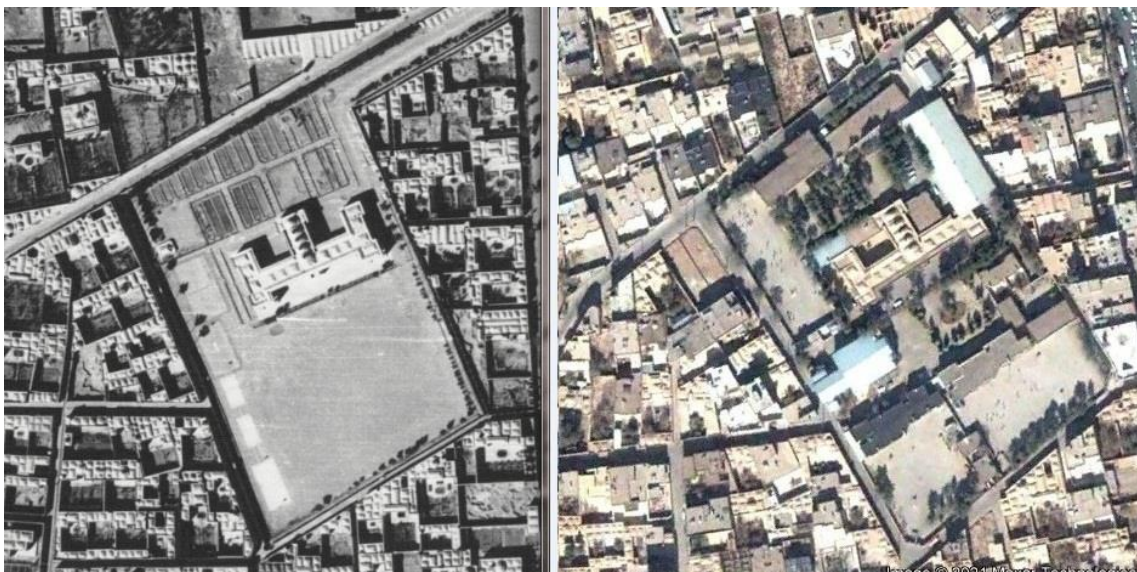
شکل ۲۱: نمونه‌ای از تخریب و زوال میراث معاصر، (گلچین، ۱۳۹۸)



شکل ۲۲: وضعیت محله "حوض ملک" در سال ۱۳۳۵ و امروز به روایت عکس‌های هوایی، (قیاس و تقریر از نگارندگان)



شکل ۲۳: وضعیت چهارسو "محله شهر" در سال ۱۳۳۵ و امروز به روایت عکس‌های هوایی، (قیاس و تقریر از نگارندگان)



شکل ۲۴: وضعیت دبیرستان جم (نخستین نهاد آموزش مدرن در کرمان) در سال ۱۳۳۵ و ۱۳۸۱ به روایت عکس‌های هوایی، (قیاس و تقریر از نگارندگان)



شکل ۲۵: وضعیت محله و مرکز محله "بازار شتر" در سال ۱۳۳۵ و امروز به روایت عکس‌های هوایی (با شکل ۱۲ مقایسه شود)، (قیاس و تقریر از نگارندگان)



شکل ۲۶: کرمان امروز، فروپاشی یک شهر، (گوگل ارت و خبرگزاری مهر، ۱۴۰۲)

بحث و نتیجه‌گیری

مطالب و اسناد ارائه‌شده در این پژوهش، زوال و اضمحلال شهری را آشکار می‌سازد که تا کمتر از چهاردهه پیش، در روند توسعه خود نه تنها کم‌وبیش وضعیتی مشابه شهرهای دیگر داشت؛ بلکه توانسته بود در جنبه‌هایی از مدیریت و توجه به میراث شهری، تجارب ارزنده‌ای را عرضه کند. به گواهی همین اسناد، در مدتی نه‌چندان طولانی، مسیری متفاوت را با سرعتی شگفت‌انگیز، طی کرد. اینکه چه عامل یا عواملی چنین رویداد ناگواری را در پی داشته است؛ البته موضوع مهم و خطیری است که در مجالی دیگر می‌تواند مورد بررسی قرار گیرد؛ لیکن آنچه از این پژوهش حاصل می‌آید، در وهله اول عیان سازی شفاف و عریان، جریانی فاجعه‌بار است که هرگز آن‌طور که باید، دیده و تبیین نشده است. این آشکارسازی از دو جنبه می‌تواند راهگشا باشد: نخست آنکه، تقلیل دادن مفهوم میراث شهری، به یک محور یا چند اثر خاص تا چه حد می‌تواند، حتی نخبگان یک جامعه را از درک مفهوم واقعی شهر به‌عنوان یک «کل واجد ارزش» دور کند؛ مطلب دیگر، اهمیت الگوی توسعه، در تداوم تاریخی شهر و حفظ میراث شهری است. الگویی که اگر مبتذل باشد، نه‌تنها راهگشای آینده و در قامت کارکردها و نیازهای شهر آینده نیست؛ بلکه تمام دستاوردهای گذشته شهر و حیثیت و هویت آن را نیز به فنا خواهد داد؛ از این منظر، روایت شفاف و بدون ملاحظه فروپاشی شهر در کرمان می‌تواند، به‌سان آینه‌ای باشد پیش چشم همه مسئولان، متصدیان و فعالان حوزه مدیریت شهری تا اینکه امروز کرمان، آینده شیراز نباشد.

منابع و مآخذ

- ابوحامد کرمانی، افضل‌الدین. (۱۳۸۶). سلجوقیان و غز در کرمان. (تصحیح و مقدمه محمدابراهیم باستانی پاریزی). تهران: نشر علم.
- آگاهی‌نامه سازمان ملی حفاظت آثار باستانی ایران. (۱۳۵۶). تهران: انتشارات بخش آموزش و پژوهش سازمان ملی حفاظت آثار باستانی ایران.
- انگلیش، پلوارد. (۱۳۹۴). شهر و روستا در ایران، اقتصاد و سکونت در حوزه کرمان. (ترجمه رویا اخلاص پور). تهران: نشر تاریخ ایران (شرکت سهامی خاص).
- براون، ادوارد. (۱۳۹۴). یک سال در میان ایرانیان. ترجمه‌مانی صالحی علامه. چاپ پنجم. تهران: نشر اختران.
- راهنمای ایران. (۱۳۳۰). نشریه دایره جغرافیائی. تهران: ستاد ارتش.
- زنگی‌آبادی، علی؛ نسترن، مهین؛ و باغ‌راهی، اسماعیل. (۱۳۹۴). تحلیل روند و نحوی توسعه فیزیکی - کالبدی شهر کرمان از پیدایش تاکنون. نشریه مطالعات نواحی شهری دانشگاه شهید باهنر کرمان. سال دوم، (۴). ۲۳-۴۲.
- سازمان نقشه‌برداری کشور. ۱۳۹۸.
- سعیدنیا، احمد. (۱۳۷۸). طرح‌های توسعه شهری، مشکلات و راهبردها، نشریه شهرداری‌ها، سال اول، (۸)، ۱۴-۱۲.
- صمدی‌رندی، یونس. (۱۳۷۷). مجموعه قوانین، مقررات، آئین‌نامه‌ها، بخشنامه‌ها و معاهدات میراث فرهنگی کشور. تهران: ناشر سازمان میراث فرهنگی کشور.
- گالدیری، اوژن. (۱۳۷۰). مسجد جامع اصفهان. (ترجمه عبدالله جیل عاملی). اصفهان: انتشارات مدیریت میراث فرهنگی اصفهان.
- گلچین، حجت. (۱۳۷۹). طرح مرمت و احیای کاروانسرای حاج‌آقا علی در راستای بازار شمالی جنوبی کرمان. پایان‌نامه کارشناسی در رشته مرمت بناهای تاریخی. به راهنمایی علی‌اکبر سعیدی. دانشکده میراث فرهنگی.
- گلچین، حجت. (۱۳۹۸). بی‌رحمی به بناهای تاریخ معاصر کرمان. نشریه استقامت. (۶۳۳).
- گلچین، حجت؛ و شهریار، مژده. (۱۴۰۰). تکیه شفا. میراثی شیرین از حکایت تلخ تکایا در کرمان. نخستین همایش ملی تجلی آیین‌های عاشورا در هنر ایرانی. کرمان: دانشگاه شهید باهنر کرمان.
- مشهدی‌زاده‌دهاقانی، ناصر. (۱۳۹۰). تحلیلی از ویژگی‌های برنامه‌ریزی شهری در ایران. تهران: نشر دانشگاه علم و صنعت ایران.
- مهندسین مشاور داض. (۱۳۵۲). طرح جامع شهر کرمان.